

## خواست دانشجویان، خواست

## برچیدن استبداد،

## فریاد همه مردم ایران است!

از صفحه ۱

حکومت نظامی اعلام نشده، اما جاری در شهر های مهم سراسر کشور هم چنان به قوت خود باقی است و سرکوبگران جنبش ۱۸ تیرماه، که از مدت ها پیش برنامه مفصلی چیده اند به بهانه تظاهرات ۱۸ تیر، کاری را که در ۱۸ تیر ۷۸ قادر به پیشبرد آن نبودند، امسال و بعد از اتمام کار بستن مطبوعات، به اتمام رسانند. آن ها کتمان نمی کنند که در تلاش درهم شکستن مقاومت جنبش دانشجویی به هر وسیله ممکن هستند.

آن چه که امروز در جامعه ما می گذرد، اما فقط مصافی بین حکومت و جنبش دانشجویی نیست. مقاومت جنبش دانشجویی در برابر استبداد مذهبی و خواست برقراری حکومت متکی بر اراده مردم و پاسخگو به مردم خواست تاریخی همه مردم ایران از انقلاب مشروطیت تا به امروز بوده است. در طول صد سال گذشته همواره مبارزه برای تحقق این آرزو و خواست مردم ایران، در بزنگاه های تاریخی مهم دستخوش تاراج مستبدین از همه رنگ و لون آن شده و بر باد رفته است. انقلاب بهمن، سقوط دیکتاتوری پهلوی و برآمدن استبداد دینی در جای پاه آن آخرین تجربه تلخ از این ناکامی های تاریخی بود.

موتور اصلی جنبش ضد استبدادی امروز کشور ما را نسل جوان جامعه تشکیل می دهد، نسلی که در دوران حاکمیت سیاه همین حکومت برآمده و با گوشت و پوست خود زندگی در زیر چتر یک استبداد مذهبی را احساس نموده است و با ادامه آن آینده روشنی در پیش روی خود نمی بیند، نگاه به جهان پیرامون خود دارد و خواستار پیوستن به کاروان پیشرفت بشریت و رهائی از قید و بند های پوسیده ای است که حکومت مذهبی بر دست و پایش تنیده است.

قدرت جنبش دانشجویی در اتکاء به این سرچشمه عظیم در بطن جامعه است، اما شعار های این جنبش بازتاب خواست های فقط این جنبش نیست، علاوه بر ریشه های عمیق در تاریخ مبارزات مردم ایران، بازتاب خواست ها و آرزوهای همه مردم ایران است. امروز دیگر خواست برچیدن بساط استبداد دینی مرزهای خود حکومت را هم در هم نوردیده است. کم نیستند کسانی که تا دیروز در اندیشه نجات این حکومت و از کارگزاران رسمی آن بودند و امروز با نوشتن نامه ها و رنج نامه ها از استبداد تبری جسته و خواستار سقوط آن هستند. صف بندی ها دیگر دارند شکل نهائی به خود می گیرند و سایه روشن های بین استبداد و ضد استبداد هر روز بیشتر از روز پیش رنگ می بازند. استبداد منزوی تر و خط مشی مامشات با آن منفردتر می شود و اردوی مقاومت در برابر آن قدرتمندتر و مبارزه برای برانداختن آن مصممانه تر می شود.

عرصه نبرد برای درهم شکستن موانع آزادی جامعه گسترده تر شده است. کشاکش جنبش های اجتماعی با مدافعین استبداد طی سالیان اخیر چهره واقعی استبداد را برملا تر ساخته است.

اکنون دیگر مستبدین حاکم نیز نیازی به کتمان چهره خود نمی بینند. اوباش قدره بند که تا دیروز «نیروی خودسر» بودند، امروز ضابط دادگستری اعلام می شوند و به دستور عمل می کنند. دیگر کسی نیازی به انکار این واقعیت نمی بیند که همه جنایات سالیان گذشته و برنامه های ترور و قتل این قبیل نیروهای «خودسر»، همه به دستور مقام قانونی «خودسر» در راس هرم حکومت بوده است. از قتل های زنجیره ای تا حمله به دانشجویان، ترور جباریان و بستن روزنامه ها و زندانی کردن روزنامه نگاران تا دستگیری و شکنجه ملی مذهبی ها و .. همه از یک مرکز صاحب اختیار در راس حکومت برنامه ریزی شده بوده است. دادستان تازه تهران هم اخیرا اقرار کرده است که هیچ دلیلی برای صدور حکم ربودن فعالین دانشجویی نداشته است، جز

دستوری که برای "ختم غائله" از سوی رهبر صادر شده است.

آتش فشانی که در زیر پای جمهوری اسلامی در حال غلیان است. با آماده باش حتی تمام امکانات سرکوب حکومتی از خودسر و غیر خودسر نیز قابل مهار نیست. این راه ها در طول سالیان گذشته بارها آزموده شده اند. و هر بار مستبدین حاکم بعد از هر حمله ای، اگرچه اهداف آن حمله را در اقدامات بعدی خود پی گرفته اند، اما در لحظه قادر به دفاع از اقدام خود نبوده اند. سازماندهی دولتی قتل های زنجیره ای را بعد از ماه ها اگرچه نیمه کاره اما پذیرفتند. فردای ۱۸ تیر به گریه افتاده اند، بعد از ترور جباریان، تروریسم را محکوم کرده اند، اما هیچکدام از این ها باعث نگردیده است که هم عاملین حمله به دانشجویان را تبرئه کنند و هم ضارب جباریان را از زندان آزاد نموده، به جای قاتلین قربانیان قتل های زنجیره ای، وکیل مدافع خانواده های آن ها را به گوشه زندان بفرستند. مردم ایران هیچ کدام از این اقدامات را فراموش نکرده اند.

جنبشی که در طول سالیان سیاه حکومت استبداد دینی سر برآورده، انرژی، استعداد و شعور و اشتیاق نسل جوان کشور را در بطن خود دارد، و با تجربه نسل های بزرگی از مبارزان راه استقرار یک جامعه آزاد و متکی بر اراده مردم تنومند گشته است و بر خلاف تصور مستبدین حاکم، تقلاهای جنایتکارانه و مذبحخانه ارنال و اوباش آنها، قادر به مهار این جنبش نخواهد بود

با پوزش از خوانندگان و رفیق علی عزیز  
در اتحادکار شماره ۱۰۹، مطلبی تحت عنوان " ایرانیان .." (ص ۱۴) به چاپ رسیده بود که نام نویسنده و تاریخ نوشته در حین صفحه بندی نشریه حذف شده است، بدین وسیله تصریح می شود که نوشته مذکور را رفیق علی در تاریخ فروردین ماه ۱۳۸۲ نوشته و برای انتشار در اختیار نشریه گذاشته بود.

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی